

A Study into Theoretical Basics of Self-Ownership in Cosmetic Surgery in the Light of Iranian Criminal Law

- Mehdi Jaliliyan*** | Assistant Professor, Department of Criminology, Islamic Azad University, Najaf Abad Branch, Najaf Abad, Iran.
- Ahmad Haji Dehabadi** | Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Collage of Farabi, University of Tehran, Tehran, Iran.
- Mohammad-Ebrahim Shams Nateri** | Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Collage of Farabi, University of Tehran, Tehran, Iran.
- Mahdi Sheidaeian** | Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Collage of Farabi, University of Tehran, Tehran, Iran.

Abstract

The response to the complicated issue of the scope of self-ownership has shed light on the issues like unnecessary cosmetic surgery, gender reassignment surgery, and organ transplant in the convicts of execution. From the viewpoint of Islamic jurisprudential doctrines, there are a myriad of disagreements over the subject of whether men are the owners of their organs or not. The resulted approach is that Islamic viewpoint, contrary to western ideologies which are humanistic, does not completely accept self-ownership. From the viewpoint of Islamic jurisprudence, freedom of men and their dominance on their body is an axiom but cannot expose them to unreasonable harm. From the standpoint of western legal theory, the proponents of self-ownership believe men are the owners of their organs and thus maintain that this law faces some limitations in the framework of natural law. Moreover, they hold that criminalization of unreasonable harm to self is not to be justified. In contrast, those who believe in the moral patriarchal theory object to self-ownership and justify the criminalization of such conducts. The present article analyzes the afore-mentioned standpoints through a descriptive method and then compares unreasonable cosmetic surgery in the criminal law of Iran with those of England and


Keywords: Criminalization, Self-ownership, Cosmetic Surgery, Jurisprudence.

* Corresponding Author: mehdidoc1366@yahoo.com


How to Cite: Jaliliyan, M.; Haji Dehabadi, A.; Shams Nateri, M.; Sheidaeian, M. (2022). A Study into Theoretical Basics of Self-Ownership in Cosmetic Surgery in the Light of Iranian Criminal Law. *Journal of Criminal Law Research*, 10(38), 173-202. doi: 10.22054/JCLR.2021.46197.1983

مبانی فقهی و فلسفی گستره خویش مالکی در باب عملیات جراحی زیبایی؛ با نگاهی به حقوق کیفری ایران، فرانسه و انگلستان

استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد،
نجف آباد، ایران

مهدی جلیلیان * 


استاد حقوق جزا و جرم‌شناسی پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

احمد حاجی ده آبادی 

دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

محمدابراهیم شمس ناتری 

استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مهدی شیدائیان 

چکیده

پاسخ به مسئله حدود «خودمالکیتی» تکلیف مسائل دشواری همچون عملیات جراحی زیبایی نامعقول را روشن خواهد کرد. از نظر فقهی در مورد اینکه انسان مالک اعضای خود است یا خیر اختلاف نظر وجود دارد؛ رهیافت حاصل آن است که نظریه حقوق اسلام بر خلاف برخی از تفکرات غربی خویش مالکی را به طور مطلق نپذیرفته است. دیدگاه اخیر بر اساس مبانی قاعده سلطنت و بنای عقلاء اصل را بر آزادی انسان و تسلط او بر اعضای بدن خویش قرار داده است. البته رویکرد اخیر به انسان اجازه نمی‌دهد اعضای خویش را در معرض ضررهای ناموجه (غیرعقلایی) قرار دهد. در نظریه حقوقی غرب، موافقان خویش مالکی بنا بر اصل اخلاقی «خودمالکیتی»، انسان را مالک اعضای خود دانسته و بر این باورند که این مالکیت در چارچوب حقوق طبیعی با محدودیت‌هایی روبه‌رو است. همچنین، معتقدند که جرم‌انگاری ضررهای غیرعقلانی به خود موجه نیست. در مقابل، کسانی که طرفدار نظریه پدرسالاری اخلاقی هستند مخالف خویش مالکی بوده و جرم‌انگاری چنین رفتارهایی را موجه قلمداد می‌نمایند. مقاله حاضر به روش توصیفی و تحلیلی ادله دیدگاه‌های مذکور را مورد نقد و بررسی قرار داده و مروری کوتاه بر عملیات جراحی زیبایی «نامعقول» در حقوق کیفری ایران، انگلستان و فرانسه می‌نماید. در همین رابطه این مقاله نشان خواهد داد که انگلستان و فرانسه به خاطر رسوایی شرکت PIP مقررات سخت‌تری را برای صنعت جراحی زیبایی وضع نمودند.

واژگان کلیدی: جرم‌انگاری، خویش مالکیتی، جراحی زیبایی، فقه، نظریه حقوقی غرب.

مقدمه

بحث در مورد حدود «خودمالکیتی»^۱ با مسئله چالش برانگیز حدود «حق» انسان بر خویشتن یا گستره خودمختاری^۲ او ارتباط پیدا می‌کند، مسئله‌ای که حوزه‌های مختلفی همچون فلسفه فقه، حقوق و اخلاق را درگیر خود نموده است. نوشتار حاضر در صدد آن نیست و نمی‌تواند تمام این حوزه‌ها را واکاوی نماید اما بر آن است تا به فراخور بحث، تأملی کوتاه بر هر کدام از این عرصه‌ها نماید.

خودآئینی^۳ یک مفهوم کانتی است و به معنی داشتن آزادی جهت تعقیب اهداف خویش است^۴ (جیکوبز، ۱۳۹۶: ۸۲؛ Jones, 1989: 9-38). از این چشم‌انداز، یک فرد خودآئین^۵ ترجیحات اخلاقی^۶، اصول و تعهداتش را برمی‌گزیند (Appendix C to Law Commission, 1996). این فیلسوف عصر خرد، تمام نظریات اخلاقی را که تلاش می‌کنند اخلاق را بر اصولی غیر از اصول خودمختارانه مبتنی کنند دیگرآئینی می‌نامد. در نظر کانت پذیرش «دیگر فرمانروایی»^۷ خود فرمانروایی انسان را نسبت به بدنش محدود می‌نماید؛ کانت خودآئینی را در مورد حق حیات نمی‌پذیرد و با حق خودکشی مخالف است (سندل، ۱۳۹۷: ۱۴۹). نظریه کانت از این جهت که «اخلاق دینی»^۸ را منافی با خودمختاری انسان می‌دانست (Kant, 1972: 55) مورد انتقاد قرار گرفته است.^۹

یکی از گونه‌های خودآئینی، مالکیت فرد بر خود است که به صورت حق اخلاقی^{۱۰} و

1. Self- Ownership.

2. Autonomy.

3. Autonomy.

۴. حق برخورداری از حقوق بر مبنای قرائت کانتی از انسان در مقام فاعل آزاد و خردمند استوار است، فاعلی که خود غایت است (Benhabib, 2004: 59). بدین ترتیب، در خوانش کانتی، انسان بر خویش حق مالکانه دارد.

5. Autonomous.

6. Moralistic Preferences.

7. Heteronomy.

8. Religious Morality.

۹. در این مورد بنگرید به: محمدرضایی، محمد (۱۳۹۰)، «آزادی و خودمختاری انسان از دیدگاه کانت و نقد و بررسی آن»، فصلنامه انسان‌پژوهی دینی، سال هشتم، شماره ۲۵.

10. Moral Right.

حقّ طبیعی^۱ یک انسان برای داشتن کنترل بر جسم خویش نمایان می‌گردد (برهانی، ۱۳۹۵: ۱۷۵). تذکر این نکته در اینجا ضروری به نظر می‌رسد که گستره «خویشتن مالکی»^۲ به نوع نظریه سیاسی حاکم و نگاه انسان‌شناسانه بستگی دارد. طی دهه ۱۹۹۰ میلادی، برخی از فیلسوفان سیاسی توجه خود را به مفهوم خودمالکیتی معطوف داشته‌اند. بسیاری از این مباحث در انتقاد از مبحث «طرفداری از آزادی فردی» (لیبرتاریانیسم) صورت گرفته، یعنی نظریه‌ای سیاسی که دست در دست دکترین‌های اقتصادی نئولیبرال و سیاست‌های جهانی اصلاح ساختاری و خصوصی‌سازی حرکت می‌کند (Pateman, 20: 2002). از سوی دیگر، خودآئینی (خودمختاری) پیوندی عمیق با نیک‌نهادی انسان، مهم‌ترین اصل لیبرالیسم دارد (بشیریه، ۱۳۸۳: ۱۱). بر پایه نیک‌نهادی انسان، لیبرالیسم برداشتی خاص از زندگی مطلوب^۳ و خیر را برای انسان تجویز نکرده و آن را در قالب‌های کیفری بر انسان تحمیل نمی‌کند. از این رو، تحمیل هرگونه مفهوم خوب و خیر، با خردمندی و نیک‌نهادی انسان سازگاری دارد (هیوود، ۱۳۸۳: ۶۱۷). از منظر جماعت‌گرایان^۴ اگر دولت مردم را به حال خود رها کند تا آن گونه که لیبرالیسم می‌خواهد خودمختاری خود را محقق کنند حاصلش فاجعه اخلاقی خواهد بود (همپتن، ۱۳۸۵: ۳۴۰)؛ زیرا محافظه‌گرایی نسبت به لیبرالیسم ارزش بسیار کمتری برای خویش مالکی قائل است. از این لحاظ، محافظه‌کاران به نظریه قیّم‌مداری قانونی^۵ روی می‌آورند. مطابق با این نظریه، جرم‌انگاری جراحی زیبایی نامعقول (غیر مشروع) به منظور پیشگیری از ایراد ضرر به خود^۶ قابلیت توجیه پیدا می‌کند.^۷

بر اساس نظریه حقوق اسلام، قرائت مطلق از خویشتن مالکی (آربلاستر، ۱۳۹۲: ۳۸) مورد پذیرش نیست؛ زیرا فرض بر این است که دولت اسلامی موظف است جان و مال

-
1. Natural Right.
 2. Self-Possession.
 3. Conceptions of the good life.
 4. Communitarianism.
 5. Legal Paternalism.
 6. Harm to self.
 7. See; Feinberg, J. (1986), *Harm to Self*, Oxford, Oxford University Press.

و ناموس افراد را حفظ کند و معنویت و اخلاق جامعه را تعالی بخشد (مصباح، ۱۳۹۲، ج ۴: ۴۷). با وجود این، نظریه پردازان اسلامی در مورد گستره «خودمالکیتی» اتفاق نظر ندارند. برخی از صاحب نظران (مصباح، ۱۳۹۱: ۹۸) بر این باورند که چون فقط خداوند مالک حقیقی است، پس انسان مالک هیچ چیز حتی وجود خودش هم نیست و انسان به مثابه امانتی ملک خداوند است (موسوی و حقیقت، ۱۳۸۹: ۲۰۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۹۶) بنابراین، اصل مالکیت از آن خدا است و بنده حتی ندارد جز تصرف در محدوده‌ای که خدا راضی است (موسوی صافی، ۱۴۲۹ق: ۲۵۵). اما بعضی دیگر (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق: ۱۳۵؛ توحیدی، بی تا، ج ۲: ۳۱۵) معتقدند علی رغم مالکیت خداوند بر هستی، انسان بر اعضاء بدنش مالکیت تکوینی دارد؛ در همین رابطه برخی (منتظری، ۱۳۸۶: ۱۰۷) حق تسلط انسان بر نفس خویش را یکی از حقوق فطری بشر که مورد تأکید شریعت اسلامی است دانسته‌اند. باری، نگارندگان با امعان نظر به همه استدلال‌های فوق به دنبال پیروی از یک نظریه معتدل هستند که دامنه دقیق حق انسان بر خویشتن را تعیین نماید.

افزون بر آنچه گفته شد، مسائل چالش برانگیزی مانند عملیات ورزشی خطرناک، تغییر جنسیت، اهداء عضو، پیوند اعضاء در محکومین به مجازات سالب حیات، عملیات استشهادهی همه به نوعی با بحث خودمالکیتی مرتبط‌اند؛ در این میان یکی از جلوه‌های آثار حق انسان بر خویشتن گستره حق انسان در اعمال جراحی زیبایی است. در این مقاله آن اعمال جراحی زیبایی مدنظر است که از منظر سیره عقلاء نامتعارف و غیر ضروری تلقی گردد، بدین توضیح که خطرات احتمالی آن اعمال بر فواید روانی و جسمانی حاصل از عمل جراحی زیبایی به طور فاحشی غلبه نماید. در نهایت این تحقیق در مبادی امر مبانی خودمالکیتی را با روشی توصیفی-تحلیلی از منظر آموزه‌های فقهی و نظریه غربی نقد و بررسی کرده و به این سؤال پاسخ خواهد داد که گستره خودمالکیتی انسان تا کجا است. گذشته از این، مقاله در بخشی دیگر از منظر حقوق کیفری و با روشی تطبیقی موضوع مذکور را از منظر دو نظام حقوق نوشته (فرانسه) و عرفی (انگلستان) تحلیل کرده و به دو سؤال پاسخ خواهد داد: آیا از منظر حقوق ایران اعمال جراحی نامشروع جرم محسوب می‌شود و موضع حقوق کیفری فرانسه و انگلستان در این مورد چیست؟ آیا «باید» رفتار متقاضی اعمال جراحی نامشروع و پزشکی

که مبادرت به چنین عملی نموده «جرم‌انگاری»^۱ شود؟

۱. مبانی خودمالکیتی بر اعضا

۱-۱. حق سلطنت انسان بر خویش

الف. دیدگاه فقهی

مبنای قاعده سلطنت حدیث نبوی «النَّاسُ مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ»^۲ (ابن ابی جمهور احسایی، ۱۴۰۵ق: ۲۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۲۷۲) است. تسلط انسان‌ها بر اموال خود امری اثبات شده است. حال با وجود تأکید فقها بر عدم ذکر قید (علی انفسهم) در حدیث مذکور (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۳۶) آیا از قاعده سلطنت می‌توان تسلط انسان بر اعضای بدن خویش را استنباط کرد؟ از یک سو، می‌توان بر این باور بود که عموم روایت مذکور در مورد اموال ثابت شده و در مورد نفس به عنوان روایت ثابت نشده است (اراکلی، ۱۴۱۹ق: ۴۹). بنابراین، از حدیث فوق نمی‌توان به جواز تصرف در بدن دست یافت، به همین دلیل در مصادیق مورد تردید نیاز به اثبات حق تصرف خارج از مورد یادشده است؛ زیرا اصل بر نبود حق تصرف انسان در اعضایش است. از سوی دیگر، مشهور فقها معتقدند قاعده تسلط بر نفس به طور غیرمستقیم و تلویحی از قاعده تسلط بر مال استفاده می‌شود (حکیم، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰: ۱۷)، ضمن آنکه عبارت «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» در سخنان فقها شهرت یافته و این حکم عقلائی است و عقلاء از سلطنت، ملکیت را برداشت می‌کنند (طباطبایی بروجردی، ۱۴۱۳ق: ۱۸۱؛ حسینی، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ۱۸۰). به دیگر سخن، نزد عقلاء چنانکه مردم بر اموال

۱. جرم‌انگاری در جمهوری اسلامی ایران مطابق با اصول چهارم، هفتادویکم و هفتادودوم قانون اساسی بر پایه مذهب بنیان‌گذاری شده است. بدین ترتیب، پیش فرض ما این است که اخلاق دینی شرط «لازم» برای جرم‌انگاری است.

۲. حدیث مذکور در هیچ کدام از کتب اربعه نیامده و فقط در کتاب «عوالی اللالی» ابن ابی جمهور احسایی به صورت مرسله آمده است. چنانچه بر حدیث مرسله فوق اعتماد نکنیم و چیزی هم نباشد که ضعف سند آن را جبران کند حدیث مذکور از اعتبار می‌افتد اما با توجه به اینکه فقها بر طبق این روایت عمل کرده و به آن استدلال کرده‌اند لذا شهرت عملی جبران‌کننده ضعف سند آن است.

خود مسلط‌اند بر نفس خویش هم تسلط دارند و تا زمانی که منع عقلی و شرعی نباشد انسان می‌تواند هر نوع تصرفی را که بخواهد انجام دهد. امروزه فروش خون و جسد برای آزمایش‌های پزشکی بعد از مرگ متعارف است (موسوی خمینی، ۱۳۶۳: ۲۹). در این رابطه برخی (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۶) بیان نمودند که هیچ کس در معقول بودن «الناس مسلطون علی انفسهم» تردید نکرده است. بدین وصف، اولاً، فقها از اصل تصرف بر نفس به عنوان قاعده‌ای فقهی یاد کرده و جواز و محدوده تصرف آن را به بنای عقلاء ارجاع می‌دهند. ثانیاً، اصل بر جواز هر گونه تصرف در اعضاء است؛ به عبارت دیگر، تصرف در اعضاء نیاز به دلیل ندارد مگر آنکه مانع عقلی و شرعی وجود داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق: ۲۳۸؛ نوبهار، ۱۳۹۴: ۱۷؛ محقق داماد، ۱۳۹۰: ۳۲)، مانند اینکه انسان خود را بکشد، عضوی از اعضای خود را قطع کند یا کاری انجام دهد که موجب ذلت و خواری او شود (حسینی، بی‌تا، ج ۵: ۷۱). بدین وصف، جواز تصرفات انسان در جسم خودش به عنوان قاعده‌ای عقلانی امری امضایی بوده و آیات شریفه «النبی اولی بالمومنین من انفسهم» (احزاب/ ۶) و «من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضاه الله» (بقره/ ۲۰۷) همگی از ادله‌ای هستند که این امضاء از آنها قابل استفاده است.

برخی از فقها از طریق ادعای اولویت درصدد آن برآمده که سلطه انسان بر نفس خویش را ثابت نمایند. بدین توضیح که مقتضای سلطنت هر شخص بر خود، سلطنت بر اموالش نیز هست. به بیانی دیگر، هر چند آنچه در روایت آمده «الناس مسلطون علی اموالهم» است ولی این یک امر وجدانی است که با اولویت ثابت می‌شود. بدین ترتیب، سلطه انسان بر نفس به دلیل اولویت اقتضای سلطه بر مال را دارد (خویی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۳۶)، زیرا سلطنت بر مال از لواحق سلطنت بر نفس است. به نظر می‌رسد استدلال به قیاس اولویت در اینجا به چند دلیل قابل تأمل است؛ زیرا قیاس اولویت در جایی محقق است که اولاً، حکم در منطوق و مفهوم از یک سنخ باشد، مثلاً اگر حکم در منطوق وجوب است در مفهوم نیز چنین باشد و اگر حرام است در مفهوم نیز حرمت باشد. ثانیاً، ملاک حکم در مفهوم اقوی از ملاک حکم در منطوق باشد. بدین وصف، به نظر نگارندگان تعمیم سلطنت از مال به جان دشوار است. در اینجا ایضاً این نکته نیز مهم است که تصرفات در اموال محدود است، زیرا کسی نمی‌تواند

مال خودش را بدون دلیل ائتلاف کند. از این رو، وقتی سلطنت انسان بر مالش سلطنت مطلق نیست چگونه می‌تواند به طریق اولی بر جان خود سلطنت مطلق داشته باشد. افزون بر این، بر فرض آنکه ملازمه بین سلطنت بر مال و جان را قبول نماییم این قاعده در بیان مشروعیت انواع سلطنت‌ها جاری نیست؛ زیرا در غیر این صورت همه محرمات را می‌توان بر اساس «الناس مسلطون علی انفسهم» جایز شمرد، مثل جواز ارتکاب زنا برای طرفین. وفق نظر صاحب کفایه تخصیص قاعده سلطنت به ادله محرمات در احکام تکلیفی و ابطال آن در معاملات تخصیص اکثر و قبیح است (آخوند خراسانی، بی تا: ۶۷؛ آشتیانی، ۱۳۶۲: ۲۹۹). بنابراین، با فرض تعمیم حکم شارع از سلطنت بر مال به سلطنت بر نفس نمی‌توان با تمسک به این قاعده مشروعیت هر تصرفی را که در جوازش شک است اثبات نمود؛ زیرا این امر از قبیل تمسک به عام در شبهات مصداقیه است، بدین لحاظ باید ابتدا مشروعیت آن با دلیل دیگری ثابت شده باشد.

ب. دیدگاه حقوقی غربی

در حوزه نظریه حقوقی و فلسفه سیاسی، مبنای نظریه حق سلطنت انسان بر خویش بر برداشتی از ایده خودمالکیتی استوار گردیده است. خودمالکیتی شامل حق بر آن دسته از آزادی‌هایی است که عناصر اساسی حق هر فرد برای تسلط بر خویش را تشکیل می‌دهند. پایبندی کامل به خودمالکیتی هر گونه ادعایی مبنی بر اینکه افراد در ارتقاء سعادت یکدیگر مسئولیت دارند را به طور معمول رد می‌کند (جونز، ۱۳۹۲: ۱۶۳؛ Nozick, 1974: 175). افزون بر این، خویش‌مالکی متضمن استقلال و خودمختاری فرد است که ریشه‌های آن در فردگرایی^۱ است (موسوی و حقیقت، ۱۳۸۹: ۱۸۴). در واقع، این نقد به وجود می‌آید که خودمختاری از منظر لیبرال‌ها به شدت فردگرا یا خودخواهانه است. زیرا تصور لیبرال‌ها از زندگی خوب این است که خودمختاری یکی از بخش‌های ذاتی زندگی خوب است. بنابراین، هر کوششی برای وادار ساختن افراد به زندگی خودمختارانه، به خاطر پیوستگی خودمختاری با انتخاب فردی، به آرمان خودمختاری خیانت می‌کند (Warburton, 2001:)

1. Individualism.

160). سندل در نقد مفهوم آزادی لیبرال بر این باور است که لیبرالیسم نمی‌تواند آزادی حقیقی را که به معنای تسلط بر خویشتن است محقق سازد. او بر این باور است که تسلط بر خویشتن مبتنی بر این است که اعضای جماعت سیاسی هویت خویش را بر اساس نقش شهروندی و وظایف و تعهدات شهروندی خویش تعریف نمایند (Sandel, 1996: 6). در حقیقت به نظر سندل دولتی که اخلاقاً بی‌طرف باشد نمی‌تواند در میان شهروندان فضایی را که برای داشتن تسلط بر نفس ضروری است فراهم آورد.

گستره خودمالکیتی در نظریه سیاسی لیبرال عدم «زیان به دیگری» است (Schonsheck, 1994: 183) بر اساس این خوانش لیبرالی، خویشتن مالکی یعنی فرد می‌تواند با هستی خود هر کاری که بپسندد و لذت ببرد انجام دهد. در واقع، زندگی هر کس متعلق به خود وی است، نه به خدا یا اجتماع (آربلاستر، ۱۳۹۲: ۳۸). بنابراین، انسان آزاد است و هرگونه که دلش خواست می‌تواند با جسم خود رفتار کند. نتیجه این تفکر اومانستی آزادی مطلق انسان‌ها در قالب لیبرالیسم است.

در مقابل دیدگاه اخیر، برخی (Stanton, 2006; Devlin, 1956: 18) با ابتناء بر دلایل پدرسالاری اخلاق‌گرا^۱ سلطنت انسان بر خویش را به خاطر محافظت خود فرد از برخی آسیب‌های اخلاقی محدود می‌نمایند. طرفداران پدرسالاری با توجیهی نتیجه‌گرایانه معتقدند قیّم‌مآبی با خودمختاری فرد تعارض ندارد. بر اساس استدلال پیامدگرایی منظور از مداخله قیّم‌مابانه، ارتقای خیری است که خودمختاری را هم شامل می‌شود (Dworkin, 2010). بدین سان، خودمختاری فرد با تحدید خودمختاری او پیشرفت می‌کند. از این منظر، استدلال پیامدگرایی می‌تواند مفهوم خیر را چندان گسترش دهد که خودمختاری را هم شامل شود. البته ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که لیبرال‌هایی مانند میل علی رغم مخالفت شدید با پدرسالاری، قرائت نرمی از پدرسالاری را مورد پذیرش قرار داده‌اند (Mill, 2009: 173) شکل ملایم پدرسالاری اجازه می‌دهد از رفتارهایی که فرد از روی عدم آگاهی، قصد انجام

1. Moralistic Legal Paternalism.

آن را دارد جلوگیری شود. البته چنین خوانشی از پدرسالاری مداخله ضعیف دولت در خودمالکیتی را جایز می‌داند.

۱-۲. نظریه حق طبیعی

الف. دیدگاه فقهی

برخی برای اثبات اینکه انسان حق تصرف اجمالی بر بدن خویش را دارد به آیه شریفه «النبي اولى بالمؤمنين من انفسهم» (احزاب: ۶) استناد کرده و بر این باورند که هیچ سلطه‌ای بالاتر از سلطه انسان بر خودش نیست چه آنکه سلطنت بر نفس یک امر طبیعی و فطری است (موسوی، ۱۴۲۲ق: ۱۳۶). ضمن آنکه بر اساس بنای عقلاء و عدم منع از سوی شارع نیز انسان بر اعضای بدن خود از مالکیت طبیعی و ذاتی برخوردار است (شهیدی، ۱۳۷۷: ۳۴۹؛ روحانی قمی، ۱۴۰۴ق: ۱۵۷). وانگهی، این سلطه محدود بوده و انسان نمی‌تواند به جان خود ضررهای کلی وارد نماید، مانند آنکه عضوی از اعضای بدن خود را بدون جهت قطع کند (موسوی، ۱۴۲۲ق: ۱۳۸). در تقابل، با دیدگاه اخیر بعضی با این استدلال که انسان امین جسم خویش است و مالکیت حقیقی انسان نزد خداوند است، هرگونه تصرف او در بدنش را مجاز ندانسته‌اند و اصل را بر عدم سلطه انسان بر جسم و روان خویش می‌دانند (الجعنی، ۲۰۰۸: ۳۶۴). محتوای استدلال اخیر در اثبات عدم مالکیت انسان بر اعضای بدنش قابل نقد است، زیرا مالکیت حقیقی خداوند منافاتی با مالکیت بندگان ندارد و گرنه انسان حق تصرف در اموالش را هم نداشت، چون مالک مطلق، خداوند است.

بنابر آنچه یاد شد، بر اساس حکم عقل سلطه انسان بر اعضای بدن خویش اثبات‌کننده مالکیت انسان بر اعضایش است (مومن قمی، ۱۴۱۵ق: ۱۶۳). بدین ترتیب، مالکیت طبیعی انسان مستلزم تسلط تکوینی او بر اعضاء بدنش است؛ با وجود این، محدودیت‌هایی عقلانی برای اعمال این مالکیت وجود دارند. بنابراین، می‌توان چنین پنداشت که تصرفاتی نظیر جراحی‌های زیبایی که منجر به نقص و ضرر غیرعقلایی می‌گردند ولو با رضایت خود فرد توجیه نداشته و در دایره حرمت قرار می‌گیرند.

ب. دیدگاه حقوقی غربی

در عرصه نظریه حقوقی رویکرد آزادی‌مدارانه که مورد حمایت فیلسوفانی چون رابرت نوزیک^۱ قرار گرفته در ادامه سنت جان لاک^۲ بر اصل خودمالکیتی^۳ تکیه دارد. رویکرد آزادی‌مدارانه صرفاً دغدغه آزادی‌ها و مالکیت افراد بر خود و اموال خود را دارد (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۵: ۷۲). در دنیای غرب بعضی با تکیه بر اندیشه لیبرالیستی هیچ گونه محدودیتی را برای خویشتن مالکی قائل نیستند (MacPherson and Cunningham, 2011: 7). در حقیقت، این افراد خویشتن مالکی را از منظر آزادی فردی می‌نگرند، یعنی انسان از لحاظ اخلاقی مالک بر حق شخص و نیروهای خود است، پس او مالک هر آنچه به او تعلق دارد بوده و بنابراین فرمانروای مطلق قلمرو شخصی خود نیز محسوب می‌شود (Ingram, 1994: 34). این قرائت مطلق از خویش مالکی کاملاً با آموزه‌های معرفتی اسلامی در تضاد است؛ از دیدگاه اسلام آزادی حرمت دارد و در محدوده سعادت و کمال انسانی محدود می‌شود، زیرا حرمت آزادی از حرمت خود انسان بیشتر نیست.

از سوی دیگر، در عرصه نظریه حقوقی غرب بعضی خودمالکیتی را به طور مطلق نپذیرفتند. برای نمونه، نظریه لاک یک قرائت خداگونه از خودمالکیتی است. او معتقد است که انسان نمی‌تواند جان خود را بگیرد و یا اجازه چنین کاری را به دیگری بدهد؛ زیرا زندگی او در ذات خود متعلق به او نیست تا آن را نابود گرداند. از دیدگاه لاک علی‌رغم مالکیت ذاتی خداوند بر هر چیز هر فرد باید به منزله کسی نگریسته شود که بر خویشتن مالکیت دارد، به گونه‌ایی که افراد در چارچوب حقوق طبیعی^۴ بدون اجازه از شخص دیگری طبق نظر خودشان عمل نمایند (Locke, 1960: 23).

از دیدگاه نظریه پردازانی همچون لاک حق خودمالکیتی به عنوان یکی از حقوق طبیعی نمی‌تواند نقض گردد، مگر آنکه مستقیماً بر ضد یکی از ارزش‌های بنیادین حیات یا ضرر به دیگری باشد. گستره خویش مالکی در چارچوب قانون طبیعت معیار روشنی را به دست

1. Robert Nozick, 1938-2002.

2. John Locke 1632-1704.

3. Self-Ownership.

4. Natural law.

نمی‌دهد تا حدود دقیق حق سلطنت انسان بر خویشتن مشخص گردد. باری، هر چند لاک تأکید می‌کند که هر فرد نسبت به خود و دارایی‌هایش اقتدار مطلق دارد، پیچیدگی نظریه او زمانی نمایان می‌شود که وی برای حق حیات ارزش خاصی قائل می‌شود و در این مورد خودمالکیتی را نفی می‌کند. این دیدگاه مشابه با دیدگاهی در فقه است که «حق حیات» را بر خلاف حق انسان بر اعضایش «حکم» می‌داند، یعنی حق حیات قابل نقل و انتقال و اسقاط نیست

۲. مبانی مشروعیت ایراد ضرر به خود

۲-۱. دیدگاه فقهی

بر اساس حدیث نبوی «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» (حرّ عاملی، ج ۱۷: ۳۴۱)، حرمت ضرر به خود از جمله مسلمات فقهی است. (ضرر) اسم جنس است و در لسان شرع مورد نفی قرار گرفته است. بر این اساس، همه بندگان به جهت نفی جنس ضرر، لازم است اعمال موجب ضرر را مرتکب نشوند و از آنجا که لا ضرر اطلاق دارد، شامل ورود ضرر به بدن انسان هم می‌شود (مومن قمی، ۱۴۱۵ق: ۴۷). اضرار نیز به معنای وارد کردن تعمّدی ضرر است (محقق داماد، ۱۳۷۹: ۲۸). در حدیث مذکور، اضرار به طور مطلق نفی شده است. لذا به نظر می‌رسد این نهی و حرمت شامل اضرار به بدن خود هم می‌شود (انصاری، ۱۴۰۵: ۵۳۲). در مقابل، برخی بر این باورند حدیث لا ضرر بر حرمت «اضرار به غیر» دلالت دارد و نه حرمت اضرار به خود (الحسینی، ۲۰۰۸: ۸۹-۸۷). در نتیجه، نمی‌توان قاطعانه نتیجه گرفت که چون اضرار به غیر حرام است پس اضرار به خود هم حرام خواهد بود.

تحقق ماهیت ضرر منوط به نبود غرض عقلایی در تحمّل ضرر است و در حالتی که تحمّل نقص بدنی به خاطر هدف عقلایی باشد، عقلاً و عرفاً ضرر تلقی نمی‌شود و با این وصف از سوی شارع مورد نهی نیز قرار نمی‌گیرد (نجفی، ۱۹۸۱، ۲۱: ۳۷۴؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۴: ۹۹؛ مومن قمی، ۱۴۱۵ق: ۵۳ و ۱۶۰). زیرا از نظر عقلاء تحمّل ضرری که همراه با غرض عقلایی است شایسته تحسین است. استدلال دیگری که برای

اثبات حرمت ضرر زدن به خود به آن استناد شده حکم عقل به لزوم پرهیز از ضرر است. بدون شک عقل سلیم، ضرر زدن بر خویش را روا نمی‌داند و هر چیزی که عقل قبیح بداند به حکم قاعده ملازمه میان حکم عقل و شرع از نظر شارع نیز قبیح و در نتیجه حرام است. شاهد بر اثبات این ادعا، استدلال علمای شیعه به حکم عقل برای اثبات حرمت ضرر به خود است (طوسی، ۱۳۷۷، ۳: ۱۶۹؛ طوسی، ۱۳۸۷، ۶: ۲۸۵؛ انصاری، ۱۴۱۵، ۱: ۳۷۳). محتوای استدلال اخیر قابل خدشه است، زیرا عقل به وجوب دفع هر ضرری از جمله ضرر کم و جایی که در تحمل ضرر غرض عقلایی نهفته است حکم نمی‌کند، بلکه اگر ضرر نزد عقلا قابل توجه بود و تحمل آن با غرض عقلایی همراه نبود عقل تن دادن به آن را قبیح دانسته و موجب حرمت شرعی می‌شود (مومن قمی، ۱۴۱۵ق: ۵۲؛ حسینی، ۱۳۷۶: ۵۴۸ و ۵۴۹). افزون بر این، منع جواز اضرار به خود در جایی که هدف عقلانی در میان باشد خلاف امتنان است و حدیث لاضرر که در مقابل امتنان است آن را شامل نمی‌شود بلکه اساساً ضرری که با غرض عقلایی همراه است عرفاً بر آن ضرر اطلاق نمی‌شود. بدین ترتیب، بنا بر آنچه یاد شد، هرگاه ضرر خطیر و زیاد باشد و در تحمل آن غرض عقلایی در بین نباشد، عقل لزوم دفع ضرر و تحمل آن را حکم می‌کند. بنابراین، هر ضرری حرام نیست و این موضوع عمومیت ندارد.

یکی از مسائل دشوار در این مبحث ایراد ضرر به خود برای نجات جان دیگری است. این بحث در سنت جاری فلسفه اخلاق، تطوع^۱ نامیده می‌شود (Archer, 2016: 76). بعضی بر این باورند که این تکلیف آن قدر دشوار است که در عمل نمی‌توان آن را دستور عمومی تلقی نمود (Atkinson, 1969: 89). از دیدگاه اسلامی تنها در موردی می‌توان به خود برای نجات جان دیگران ضرر وارد نمود که امر دائر شود بین حفظ نفس یا ترک واجبی که اهم بودن آن نسبت به حفظ نفس از نظر شرع و عقل احراز شده باشد (منتظری، ۱۳۸۷: ۹۱). بدیهی است فهم چنین چیزی با خود شخص مکلف است.

1. Supererogation.

۲-۲. دیدگاه حقوقی غربی

بر اساس بعضی از اندیشه‌های غربی انسان جایگزین خدا شده^۱ و محور همه ارزش‌ها قرار گرفته است (Davies, 2006: 28). بر همین اساس، سنجه حقایق بر خلاف اخلاق الهی فقط خواست مردم است. از این رو، انسان در بعضی از تفکرات لیبرالی به صورت مطلق خودمختار است: یعنی حتی خدای متعال نیز حق تصمیم‌گیری برای او ندارد. در همین رابطه این ادعا وجود دارد که خودمالکیتی ریشه‌ای عمیق در میان مهم‌ترین ارزش‌های لیبرال دموکراسی داشته و از پذیرفته‌شده‌ترین حق‌ها در لیبرالیسم است (Lloyd Thomas, 1988, 8; Gorr, 1995, 291).

بعضی معتقدند که خودمالکیتی چنانچه به شکل آزادی افراد نسبت به دخالت‌های دیگران و داشتن حق برداشت از ظرفیت‌های خود تفسیر شود، بسیار جذاب خواهد بود. در واقع، جذابیت خودمالکیتی مبتنی بر ارتباطی است که با استقلال و خودمختاری انسان دارد (Cohen, 1995: 209). مسئله اینجاست که نظریه‌سازی بدین شکل منجر به اختلال در نظام اخلاقی اجتماعی می‌شود. اگر هدف نهایی افزایش رفاه اجتماعی هم باشد صحیح نیست که جامعه به افراد اجازه دهد به خود آسیب غیر معقول بزنند؛ این زیان به خود از سعادت اخلاقی افراد جامعه می‌کاهد.

در سپهر نظریه حقوقی غرب جان استوارت میل به منظور تعیین حدود آزادی اصل ضرر^۲ را پیشنهاد می‌نماید. میل دو اصل اساسی را در مورد اصل آزادی ذکر می‌کند، اول آنکه: «فرد برای اعمالی که با منافع هیچ کس جز خود او برخورد ندارد در مقابل اجتماع مسئول نیست. دوم آنکه فرد برای اعمالی که به منافع دیگران^۳ لطمه می‌زند در مقابل اجتماع مسئول است» (Mill, 2009: 59). با این ایده میل فقط رفتارهایی را که منجر به ضرر به دیگری^۴ می‌شوند، قابل توجیه برای مداخله کیفری در آزادی انسان می‌داند. در همین راستا، مطابق با اصل باستانی در حقوق رومی: «به آن کس که رضایت داده است هیچ ضرری وارد نیامده

-
1. Man is god.
 2. Harm Principal.
 3. Interests of other.
 4. Harm to other.

است»^۱ (Feinberg, 1984: 115). امروزه اصل یادشده جایگاهی در سیستم‌های قانون مدرن ندارد؛ زیرا رضایت فقط در موارد استثنائی مانند عملیات جراحی معقول و درمانی می‌تواند دفاعی برای فرد آسیب‌زننده تلقی شود. به همین خاطر، دولت‌ها در بعضی مواقع در مقام دفاع از اخلاقیات افراد وارد عمل شده و آنان را از اضرار اخلاقی به خویش منع می‌سازند. این نگاه مورد حمایت پدرسالاران اخلاقی^۲ و مخالفین خویشتن مالکی است (Dworkin, 2010). با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد دولت نمی‌تواند اخلاقاً نسبت به اقدامات بیمار (رضایت‌دهنده) در جهت جراحی‌های زیبایی غیرموجه بی‌طرف باشد.

۳. عملیات جراحی زیبایی از منظر حقوق کیفری ایران، فرانسه و انگلستان

امروزه تقاضا برای جراحی زیبایی به دلیل ارزش‌گذاری بیشتر انسان نسبت به مشخصات ظاهری افزایش یافته است. جراحی زیبایی با هدف رضایت خاطر زیبایی‌شناختی افراد انجام شده و از این منظر از سایر جراحی‌های پزشکی متمایز است (Park, et al., 2016: 279). بدین ترتیب، لازم است جراحی زیبایی با در نظر گرفتن معیارهای متفاوتی نسبت به معیارهای پزشکی عمومی ارزیابی گردد.

۳-۱. قاعده تناسب در اعمال جراحی زیبایی

مشروع بودن اعمال جراحی زیبایی که به منظور بهبود روانی فرد انجام می‌گیرد بستگی به دلایل علمی روانشناختی دارد. بدین ترتیب، اگر درمان بیماری جسمی دلیل موجهی است تا ضرر اعمال جراحی زیبایی را موجه جلوه دهد، درمان بیماری روانی بنا بر قیاس منصوص‌العله می‌تواند چنین تأثیری داشته باشد. از همین چشم‌انداز، می‌توان استدلال نمود که ایجاد چنین ضرری از نظر درمانی نافع است، پس انسان حق چنین جراحی را دارد. شایان ذکر است که منافع روانی در همه افراد یکسان نیستند. به طور مثال، کسانی هستند که عدم رضایت مرضی دارند و اگر عمل جراحی پلاستیک زیبایی انجام دهند نه تنها عدم رضایتشان رفع نمی‌شود بلکه اختلالات روحیشان تشدید هم می‌شود (اکبری برچلویی، ۱۳۸۴: ۶۴). بنابراین، باید با

1. Volenti non fit injuriu (To one who has consented no wrong is done).

2. Moral Paternalism.

ملاحظه تمام متغیرها بین منافع روحی و جسمی ناشی از جراحی زیبایی و ضرر و خطرات احتمالی آن تناسبی برقرار نمود و تنها در مواردی که منافع روحی و جسمی پذیرش ضرر و خطرات احتمالی را توجیه کنند، می‌توان عمل جراحی زیبایی را برای فرد تجویز کرد. اینجاست که قاعده‌ای تحت عنوان قاعده تناسب قابل طرح است.

با اعمال قاعده تناسب چنانچه منافع روحی و جسمی عمل جراحی زیبایی بر ضرر و خطرات احتمالی آن فزونی داشته باشد، پذیرش چنین ضرری عقلایی است؛ مانند آنکه دختری به دلیل داشتن بینی نازیبا تا سن بالا ازدواج نکرده و دچار اختلالات جسمی و روانی شده است. در مورد اعمال قاعده تناسب نتایج یک تحقیق میدانی قابل توجه است؛ در تحقیقی که در سال ۲۰۱۵ میلادی انجام شده و در مجله جراحی زیبایی متعلق به دانشگاه آکسفورد منتشر شده در خصوص عوارض عمل جراحی پلاستیک زیبایی کشیدن پوست صورت^۱ این جمع‌بندی حاصل شده است: از بین ۱۱۳۰۰ نفر که این عمل جراحی را انجام داده‌اند ۲۰۵ نفر از آنها معادل ۱.۸٪ دچار عوارض جدی از جمله سکته قلبی، اختلالات ریوی و آمبولی شده و ۱۶۸ نفر از آنها معادل ۱.۵٪ دچار عوارض موضعی جدی شده‌اند (Gupta & others, 2015: 8). این تحقیق به روشنی بیانگر افزونی خطرات احتمالی جراحی زیبایی نسبت به منافع آن است.

۲-۳. رسوایی پرونده PIP و آثار آن بر مقررات جراحی زیبایی در انگلستان و فرانسه در سال ۲۰۱۰ میلادی برخی از مقامات آژانس امنیتی بهداشت فرانسه^۲ در پی افزایش گزارش‌ها نسبت به حوادث غیر قابل توضیح از یک شرکت تولیدکننده ایمپلنت‌های سیلیکونی پستانی در جنوب فرانسه با نام (PIP)^۳ بازدید کردند. آنها شواهدی یافتند که مواد مورد استفاده در ایمپلنت‌های PIP نامناسب، خطرناک و توأم با تقلب و کلاهبرداری بوده است. این مشاهدات زنجیره‌ای از وقایع در سراسر جهان را سبب شد، که در انگلستان از آن

1. Facelift.

2. L'Agence Française de sécurité sanitaire des produits de santé.

3. Poly Implants Prothese.

با عنوان شواهدی ترسناک و در فرانسه از آن به عنوان یک «رسوایی» یاد می‌شود.^۱ این رسوایی روی بیماران سراسر جهان تأثیر گذاشت و پوشش خبری وسیعی را به خود اختصاص داد و همچنین به نگرانی‌های زیادی دربارهٔ خطرات اعمال جراحی زیبایی دامن زد. علاوه بر این، نظریات مختلفی در مورد مقررات و خطرهای موجود در جوامع غربی که عمدتاً خطر گریز هستند بیان شد. در جولای ۲۰۱۲ میلادی کلود کوتی مدیر کل شرکت PIP به جرم «تقلب»^۲ تحت تعقیب قرار گرفت.^۳

به دنبال رسوایی اخیر مهم‌ترین قانونی که توسط دولت فرانسه تدوین شد قانون کوشنر بود. این قانون بخشی از اصلاحات عمومی در سیستم خدمات بهداشتی کشور فرانسه است.^۴ بندهای ۵۰ و ۵۲ قانون کوشنر ۲۰۰۲ میلادی به طور خاص در مورد جراحی زیبایی است (Latham, 2014, 388). بخش‌هایی از قانون کوشنر ۲۰۰۲ میلادی که به جراحی زیبایی می‌پردازد، پس از اصلاح قانون بهداشت عمومی و انتشار نهایی این بخش‌ها در ۲۱ آوریل ۲۰۰۵ به قانونی مستقل مبدل شد. مطابق با مادهٔ I 6324-2 L این قانون چنانچه جراحان زیبایی بدون مجوزهای لازم، و یا مجوزهای به روزرسانی نشده یا معلق شده به فعالیت پردازند، این مسئله جرم کیفری تلقی شده و جریمه‌ای معادل ۱۵۰.۰۰۰ یورو به آن تعلق می‌گیرد.^۵ جراحان زیبایی فرانسوی به خاطر قانون کوشنر نمی‌توانستند بیماران PIP را به دلیل نداشتن بیمه و یا اعلام ورشستگی بدون ارائه خسارت رها کنند. ضمن آنکه به نظر می‌رسد رسوایی PIP ممکن است همچنان سبب تقویت بیشتر مقررات اتحادیه اروپا و کشور فرانسه در زمینه

1. See: 'Breast implant victims just moneygrabbers, said PIP boss', Telegraph, 5 January 2012.

2. Tromperie aggravée.

3. See; 'Procès PIP: quatre ans de prison ferme requis contre Jean-Claude Mas', *Le Monde*, 14 May 2013.

4. See; Loi No. 2002-303 du 4 mars 2002 relative aux droits des malades et à la qualité du service de santé amendé the Public Health Code) (article L. 63221 and article L. 6322-2) and the Penal Code (article L. 121-1).] E de Thomasson, Face A La Loi Du 4 Mars 2002 Sur Les "Droits Des Malades", La Reaction De Chirugiens Orthopedistes (Université Paris I, Panthéon Sorbonne—Année universitaire: 2002–2003).

5. See; A Fitoussi, 'Perspectives de mediation dans le domaine de la chirurgie esthetique' (2003) 48 *Ann Chir Plast Esthet*, 228.

جراحی زیبایی شود. حال بررسی می‌نماییم که پس از ماجرای PIP واکنش دولت انگلیس نسبت به این موضوع در قالب طرح‌های پیشنهادی و قانونی به چه شکل بوده است. پیش از بروز رسوایی PIP، دولت انگلستان هیچ گونه نگرانی برای ارائه قوانین مرتبط با جراحی زیبایی نداشت. این رسوایی نواقص قوانین انگلستان و آنچه را که می‌بایست از سوی دولت این کشور مورد نظارت قرار می‌گرفت برجسته‌تر نمود. پیرو رسوایی PIP، مقامات رسمی دولت انگلستان نیاز فوری به وجود قوانین مناسب را در این زمینه تشخیص دادند. در همین رابطه کئوگ^۱ در گزارش نهایی خود بیان نمود: رسوایی ایملنت‌های PIP مشکلات مرتبط با کیفیت محصول، مراقبت‌های پس از عمل و حفظ مستندات را به روشنی نشان داد. این مسئله همچنین توجهات را به استفاده گسترده از تبلیغات گمراه‌کننده، بازاریابی ناصحیح و اقدامات نایمن جلب نموده است. تلاش‌های پیشین برای خودارزیابی‌های انجام‌شده در این صنعت با شکست مواجه شده و این مسئله عمدتاً به دلیل نبود مقررات داوطلبانه‌ای است که افراد را ملزم به رعایت اصول ویژه‌ای می‌کند (Keogh, 2013: 5). در نهایت مسئله PIP صرفاً به دلیل نبود مقررات کافی در بخش جراحی زیبایی ایجاد نشده بود، بلکه دلیل اصلی آن تقلب در قوانین اتحادیه اروپا از سوی یک تولیدکننده فرانسوی بود. با این حال، این رویداد مشکلات و نواقص زیادی را در زمینه قوانین جراحی زیبایی در کشور انگلستان عیان کرد، از جمله بیمه، صلاحیت‌ها و ممیزی‌های لازم. افزون بر این، آن طور که از شواهد پیداست، قوانین فرانسه در این زمینه نسبت به انگلستان دقیق‌تر بوده و جبران خسارات بیماران PIP در آن بهتر انجام شده، ضمن اینکه مواردی همچون بیمه، صلاحیت‌ها و ممیزی‌های لازم در آن تصریح شده است. قانون کوشنر در سال ۲۰۰۲ میلادی جایگزین قانون قبلی سال ۱۹۹۶ میلادی شد و خود نیز با مصوبه سال ۲۰۰۵ میلادی جایگزین گردید، که در آن به لزوم ۱۵ روز فاصله میان مشاوره‌های پیش از عمل و انجام عمل جراحی زیبایی اشاره شده است. این قانون تا جایی پیش می‌رود که جراحانی را که بدون داشتن مجوز لازم، بدون ارائه اطلاعات و مشاوره‌های تخصصی، و یا بدون در نظر گرفتن دوره زمانی ۱۵ روزه، اقدام به

1. Report of Sir Bruce Keogh.

انجام عمل جراحی زیبایی می‌کنند مجرم شناخته و با مجازات سنگینی روبرو می‌کند (Latham, 2014, 407).

۳-۳. گستره مسئولیت کیفری پزشک و مرتکب

اگر یک عمل جراحی زیبایی «مشروع» نباشد حتی اخذ رضایت از بیمار و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی، موجبی برای سلب مسئولیت پزشک نسبت به ضررهای ناموجه وارده به بیمار نیست. مطابق با بند (ج) ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نامشروع بودن عملیات جراحی «شرط کافی» برای مسئولیت کیفری پزشک است؛ زیرا مسئولیت مبتنی بر تقصیر در قالب اعمال جراحی مشروع پذیرفته شده است. به عنوان مثال، پزشکی که مبادرت به اعمال جراحی نوظهوری مانند چشم‌گره‌ای و گوش‌الاغی نموده، مطابق با ماده مذکور مسئولیت کیفری داشته و بر اساس تبصره یک ماده ۲۸ قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران مسئولیت انتظامی دارد. در این مورد مسئولیت انتظامی نافی مسئولیت کیفری نیست، زیرا مبانی و اهداف این دو نوع مسئولیت با هم متفاوت هستند.^۱

در این رابطه برخی^۲ معتقدند متقاضی این نوع از اعمال جراحی مطابق با ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات مجازات می‌شود. به نظر می‌رسد نظر پیش‌گفته به چند دلیل صحیح نباشد. اولاً، مطابق با «اصل قانونی بودن مجازات» برای متقاضی چنین رفتاری کیفر در نظر گرفته نشده است؛ مگر اینکه معتقد باشیم چنین رفتاری با وجود شرایط، معاونت در عملیات جراحی زیبایی نامشروع است. ثانیاً، رفتار پزشک و متقاضی چنین اعمالی مصداق تظاهر در علن و انظار عمومی نیست، زیرا جریحه دار کردن عفت عمومی عبارت است از: «ارتکاب هر عملی که به نوعی ابراز تمایلات جنسی در انظار و اماکن عمومی باشد» (عنصری‌فرد، ۱۳۸۷: ۱۴). در حقوق کیفری انگلستان اعمال جراحی زیبایی مضر که غیردرمانی و غیرضروری هستند مجرمانه تلقی می‌گردند؛ زیرا رضایت در این مورد به عنوان دفاع از خشونت‌های ناخواسته

۱. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: سیدمحمد سادات اخوی (۱۳۹۴)، «مبنا و هدف مسئولیت انتظامی پزشک، خاستگاه و غایت اخلاقی حقوق پزشکی»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال دوم، شماره سی و دوم.

۲. برای اطلاع بیشتر پیرامون این دیدگاه بنگرید به (<https://www.isna.ir/news/97082110151>).

که منتهی به صدمه جسمانی می‌شود قابل قبول نیست (Baker, 2014: 594). در پرونده R v. Brown^۱ مجلس اعیان تصریح نمود که رضایت از کسانی که به دیگران صدمه واقعی یا سنگین جسمی وارد می‌کنند پذیرفته نیست، مگر اینکه آسیب ناشی از عمل جراحی زیبایی معقول باشد. بنابراین، زمانی که عمل جراحی «غیردرمانی»^۲ و «غیرمعقول»^۳ باشد، به نحوی که به طور غیرضروری خطر بیشتری برای بیمار نسبت به نتایج آن به عمل آورد دفاع معتبر نخواهد بود (Baker and Horder, 2013: 204). غالباً اعمال جراحی غیردرمانی ناشی از شرایط روانشناختی است و با شدت اختلالات شخصی اسکیزوتایپی و پارانوئید^۴ همراه است. به عنوان نمونه، در انگلستان «مرد ببری»^۵ را در نظر بگیرید؛ این مرد فکر می‌کرد که او مانند یک ببر بهتر ظاهر می‌شود. بنابراین، بسیاری از روش‌های زیبایی و غیرضروری را برای تبدیل سر خود مانند یک ببر انجام داد (Phillips, 2004: 63). به نظر می‌رسد مواردی از اعمال جراحی زیبایی غیردرمانی وجود دارند که صحت رضایت بیمار به دلیل اطلاعات تحریف‌شده‌ای که توسط او برای تصمیم‌گیری در مورد جراحی زیبایی استفاده می‌شود مورد تردید باشد.

افزون بر آنچه گفته شد، در حقوق کیفری انگلستان رفتار رضایت‌دهنده (بیمار) زمانی تحت عنوان «ضرر به خود»^۶ جرم قلمداد می‌شود.^۷ اما با توجه به اینکه در قانون جرایم علیه اشخاص مصوب ۱۸۶۱ میلادی^۸ جرم قدیمی ضرب و جرح پیش‌بینی شد، رفتاری که متضمن آسیب به خود شود از دایره شمول آن خارج گشت؛ زیرا خودآزاری مستلزم پاسخ پزشکی است، نه پاسخ قانون کیفری (Baker, 2014: 593). در حقوق

1. See: R. v. Brown [1994] 1 A.C. 212.

2. Nontherapeutic.

3. Unreasonable.

4. Schizotypal and paranoid personality disorders.

5. Tiger Man.

6. Self-harm.

7. See: R. v. Wright, in Edward Hyde East, a treatise of the pleas of the crown, vol. I at 396 (1803).

8. Offences Against the Person Act 1861 (U.K.).

کیفری ایران خودزنی فقط در مورد نظامیان جرم‌انگاری شده است (ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح).

نکته قابل توجه آن است که مطابق با رویه حقوقی فرانسه جراحان زیبایی نسبت به سایر متخصصین پزشکی در این کشور ملزم به ارائه تعهدات کافی در راستای آگاه نمودن بیمار می‌شوند. در سال ۱۹۸۱ میلادی، دادگاه تجدیدنظر در شهر لیون تصمیم گرفت که یک جراح زیبایی می‌بایست بیمار خود را نسبت به کلیه خطرات ذاتی در عمل جراحی و پیامدهای آتی آن آگاه کند (Cour d'appel de Lyon, 8 January 1981). مطابق با رویه دادگاه‌های فرانسه، میان خطرهای خطرناکی که معمولاً با معالجات پزشکی همراه است و خطرهای استثنائی مرتبط با جراحی زیبایی تمایز وجود دارد و جراحان زیبایی می‌بایست بیماران را نسبت به مشکلات و عوارضی که از زخم‌های ایجادشده ناشی می‌شوند کاملاً آگاه سازند (Cour d'appel de Paris, 1 October 1998).

تا بدینجا به سؤال نخست پاسخ دادیم اما مسئله مهم‌تر سؤال دوم است: آیا «باید» عمل جراحی نامشروع جرم تلقی گردد. باید خاطر نشان شویم که «نامشروع بودن رفتار» اقتضاء جرم‌انگاری را دارد؛ از این رو، شرایط دیگری نیز برای جرم‌انگاری چنین رفتاری مانند «ضرر به دیگری»^۱ و «خطای اخلاقی»^۲ لازم است. بدین ترتیب، با توجه به معیار «ضرر مستقیم به غیر» جرم‌انگاری رفتار آسیب‌رسان (پزشک) موجه است؛ زیرا پزشک با مبادرت به جراحی زیبایی آسیب‌زننده غیرضروری^۳ موجب آسیب غلط به دیگری (بیمار) شده است. در واقع، از بیمار به عنوان وسیله برای رسیدن به هدف استفاده نموده است (Baker, 2014: 588). بنابراین، چنین رفتاری ضوابط دوگانه ضرر به غیر و خطای اخلاقی را برای جرم‌انگاری داراست. در همین راستا، قانونگذار رضایت مجنی علیه نسبت به ایراد صدمه به خود را موجب سلب مسئولیت مرتکب ندانسته ولی استثنائاً نفوذ رضایت مجنی علیه را در پاره‌ای از موارد از جمله اعمال جراحی مشروع و از بین بردن موی سر و صورت (موضوع ماده ۵۷۹ قانون

1. Harm to Other.

2. Moral Wrong.

3. Unnecessary harmful cosmetic surgery.

مجازات اسلامی (۱۳۹۲) مورد پذیرش قرار داده است. اما در مورد بیمار (رضایت‌دهنده) به نظر می‌رسد که جرم‌انگاری فاقد وجاهت است. زیرا علی‌رغم غیراخلاقی و غیرشرعی بودن چنین رفتاری، آزادی انسان در حقوق کیفری به اندازه‌ای محدود می‌شود که دیگران از آسیب‌رسانی به او محروم شوند. ضمن آنکه جرم‌انگاری همواره ابزار کارآمدی برای حمایت از اخلاق نبوده و در این مورد نباید از نقش امکانات غیر کیفری غافل شد. البته این گفته به معنی حمایت از ترویج بی‌اخلاقی و بی‌طرفی اخلاقی دولت نیست؛ زیرا بی‌طرفی ملازمه‌ای با دخالت کیفری ندارد.

نتیجه

در عرصه نظریه حقوقی غرب ایده خودمالکیتی ریشه در نظریات لاک و کانت دارد؛ تأکید فیلسوفان حقوق و اخلاق بر «خودمختاری» به معنای این است که هر فردی مالک خود و سرنوشت خویش است. در نظریه حقوقی غرب، موافقین خودمالکیتی آن را یکی از حقوق طبیعی دانسته‌اند. در همین رابطه بعضی این حق را محدود به یکی از ارزش‌های بنیادین حیات یا ضرر به دیگری می‌دانند. این ایده در نظریه حقوق اسلامی به طور قطعی پذیرفته نشده است؛ افزون بر این، ایده خودمالکیتی بر خورد قیّم‌مابانه مبنی بر تحمیل یک سبک زندگی به افراد یک جامعه را رد می‌نماید. در واقع، خودفرمانروایی (خودآئینی) به روشنی بیانگر آن است که دخالت اخلاقی دولت در رفتاری‌های متضمن ضرر غیر عقلانی به خود مانند جراحی‌های زیبایی نامتعارف قابل توجیه نیست؛ در مقابل مخالفین خودمالکیتی بر اساس نظریه پدرسالاری اخلاقی چنین دخالتی را موجه قلمداد می‌نمایند. بر اساس نظریه اخیر دولت اجازه دارد که از زیان رساندن شخص به خودش حتی در مواردی که بدان آگاه باشد جلوگیری نماید. افزون بر این، دیدگاه اسلامی نظریه مطلق خودمالکیتی را که تحت تاثیر تفکر اومانستی بوده نمی‌پذیرد، زیرا بر اساس آموزه‌های اسلام انسان مخلوق خداست و خواست انسان تا جایی قابل احترام است که در مسیر هدف خلقت قرار بگیرد. از این جهت در اخلاق اسلامی ملاک مشروعیت همه قوانین اراده تشریحی خداوند است.

در عرصه نظریه حقوق اسلامی خودمالکیتی بر اساس مقتضای حکم عقل عملی و

سیره عقلاء ریشه در اصل آزادی انسان و تسلط او بر نفس خویش دارد. در باب حق انسان بر اعضای بدن خود دو دسته از آراء مبنی بر حق تسلط و عدم تسلط انسان بر اعضای بدن خود وجود دارد. بر اساس ارزیابی انتقادی این دو دیدگاه انسان بر اعضای بدن خویش حق تسلط دارد، اما چنانچه شخص بخواهد ضرر غیرعقلایی به خود وارد نماید چنین عملی در دایره حرمت قرار می‌گیرد. بنابراین، تصرفی که موجب هلاکت یا ضرر قابل توجه یا هتک حرمت و ذلت و خواری انسان شود حرام است. ضمناً ضرر غیرعقلانی بر اساس یک دیدگاه فایده‌گرایانه قابل تشخیص است؛ بدین ترتیب، آن دسته از اعمال جراحی زیبایی که منافع جسمی و روانی آن بر ضرر احتمالی آن فزونی دارند مشروع است و انسان حق انجام آنها را دارد.

با وجود آنکه بعضی از مصادیق جراحی زیبایی مانند چشم‌گربه‌ای حرام و غیر اخلاقی است، جرم‌انگاری چنین رفتاری‌هایی در مورد بیمار (رضایت‌دهنده) مخالف با اصول «جرم‌انگاری به عنوان آخرین چاره»^۱ و «ضرر مستقیم به دیگری» است. بدین ترتیب، در این موارد هرچند حکومت اسلامی اخلاقاً بی‌طرف نیست، حرمت چنین رفتارهایی شرط کافی برای جرم‌انگاری موجب قلمداد نمی‌گردد؛ اما جرم‌انگاری رفتار پزشکی که مبادرت به جراحی زیبایی آسیب‌زننده غیردرمانی و نامعقول کرده بر اساس اصول ضرر و خطای اخلاقی موجب به نظر می‌رسد.

از منظر حقوق تطبیقی، در کشور فرانسه، به دنبال رسوایی پرونده PIP، قانون کوشنر در سال ۲۰۰۲ میلادی جایگزین قانون قبلی سال ۱۹۹۶ میلادی شد و به موجب آن قوانین سخت‌تری برای صنعت جراحی زیبایی فرانسه تصویب شدند. ضمن آنکه پرونده PIP مشکلات و نواقص زیادی را در زمینه قوانین جراحی زیبایی در کشور انگلستان عیان کرد، از جمله بیمه و ممیزی‌های لازم. دولت انگلستان نیز با دریافت چندین گزارش از جمله گزارش کئوگک درباره خطرهای جراحی زیبایی که با مسئله PIP عیان‌تر شده بود، نسبت به آن واکنش نشان داد.

1. See; Jarborg, Nils (2004), Criminalization Last Resort (Ultimaratio), Ohio State Journal of Criminal Law.

پیشنهاد می‌شود که جهت اعمال قاعده تناسب، انجام عمل جراحی منوط به کسب مجوز از یک هیئت سه نفره شامل یک پزشک متخصص جراح زیبایی، یک روانشناس که فرد مورد نظر را به لحاظ شرایط روانی بررسی کند و یک حقوقدان باشد تا از این طریق از انجام اعمال جراحی زیبایی نامعقول و غیردرمانی پیشگیری شود. اجرای چنین پیشنهادی می‌تواند دو مزیت قابل توجه را در پی داشته باشد. اول اینکه موجه‌سازی انجام عمل جراحی پلاستیک زیبایی توسط افرادی انجام می‌شود که ذینفع در انجام عمل جراحی نیستند. دوم اینکه به جای اینکه پس از انجام عمل جراحی زیبایی و ورود ضرر ناموجه به بیمار و شکایت او به مواخذه پزشک پردازیم از انجام این اعمال پیشگیری می‌کنیم و مانع از هدررفت هزینه‌های سرسام‌آوری می‌شویم که در این راه انجام می‌شوند. ضمناً لازم است قانونگذار در راستای پاسداشت حقوق و آزادی‌های فردی معیاری بدون ابهام را برای تشخیص مشروعیت عملیات جراحی زیبایی در ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی تعیین نماید.

ORCID

| | | |
|-------------------------------|---|---|
| Mehdi Jaliliyan |  | http://orcid.org/0000-0001-9788-2860 |
| Ahmad Haji Dehabadi |  | http://orcid.org/0000-0002-0389-6215 |
| Mohammad-Ebrahim Shams Nateri |  | http://orcid.org/0000-0002-1186-2971 |
| Mahdi Sheidaeian |  | http://orcid.org/0000-0002-9181-5365 |

منابع

الف) فارسی

- احسائی، ابن ابی جمهور محمد بن علی، ۱۴۰۵ق، *عوالی اللئالی العزیزیه*، چاپ اول، قم: دار سید الشهداء للنشر.
- اراکلی، محمد علی، ۱۴۱۹ق، *کتاب النکاح*، قم: نورنگار، چاپ اول.
- اکبری برچلوئی، زهرا، ۱۳۸۴، *بررسی سلامت روان در متقاضیان عمل جراحی زیبایی بینی به درمانگاه گوش، حلق و بینی بیمارستان رسول اکرم (ص)*، رساله دکترای پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران.
- انصاری، مرتضی، ۱۴۱۵ق، *المکاسب المحرمه*، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
- _____ ۱۴۰۵ق، *فوائد الاصول*، مجمع الفکر الاسلامی، قم.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم، بی تا، *کفایه الاصول*، قم: موسسه آل البيت (ع) الاحیاء التراث.
- آربلاستر، آنتونی، ۱۳۹۲، *لیبرالیسم غرب: ظهور و سقوط*، ترجمه عباس مخبر دزفولی، تهران: نشر مرکز.
- آشتیانی، میرزا محمد حسن، ۱۳۶۲، *القضاء*، قم: انتشارات قدس محمدی.
- برهانی محسن و بشری محمدی فرد، ۱۳۹۵، *کمال گرایی کیفری*، در مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، دوره سوم، شماره دوم، پائیز و زمستان.
- بشیریه، حسین، ۱۳۸۳، *لیبرالیسم و محافظه کاری*، چاپ هفتم، تهران: نشر نی.

توحیدی، محمد علی، بی تا، مصباح الفقاهه فی المعاملات: تقریر الابحاث ابوالقاسم الموسوی الخوئی، بیروت: دارالهادی.

الجکنی، محمد مزید، ۲۰۰۸م، احکام الجراحه الطیبه و الآثار المترتبه علیها، مکتبه الصحابه، جده.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، حق و تکلیف در اسلام، قم: اسراء.

جونز، پیتر، ۱۳۹۲، فلسفه حقوق: حق‌ها، ترجمه: مشتاق زرگوش و مجتبی همتی، چاپ اول، تهران: میزان.

جیکوبز، جانانان، ۱۳۹۶، فرهنگ اصطلاحات فلسفه اخلاق، ترجمه سید محمد علی تقوی و زهره علوی راد، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.

حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۳ق، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

حسینی روحانی، سید محمد صادق، ۱۴۱۲ق، فقه الصادق، جلد ۱۵ و ۲۴، قم: دارالکتاب، مدرسه امام صادق.

حسینی، سید محمد حسین، ۱۴۱۸ق، ولایه الفقیه فی حکومت الاسلام، بیروت، دارالحججه الیضاء.

حسینی، سید محمد سرور، ۱۳۷۶ق، مصباح الاصول: تقریرات بحث آیت الله خویی، نجف: مطبعه نجف.

حسینی، سید محمد، بی تا، ایصال الطالب الی مکاسب، جلد پنجم، چاپ اول، تهران: منشورات اعلمی.

الحسینی، محمد، ۲۰۰۸م، عملیات التجمیل الجراحیه و مشروعیتها الجزائیه بین الشریعه و القانون، مرکز ابن ادریس حلی للدراسات الفقهیه، بیروت.

حکیم سید محسن، ۱۴۰۴ق، مستمسک العروه الوثقی، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۲ق، مصباح الفقاهه فی المعاملات: تقریرات ابحاث آیت الله سید ابوالقاسم موسوی خویی، جلد دوم، بیروت: دارالهادی.

مبانی فقهی و فلسفی گستره خویش مالکی در باب عملیات جراحی زیبایی...؛ جلیلیان | ۱۹۹ |

- روحانی قمی، سید صادق، ۱۴۰۴ق. *المسائل المستحدثه*، قم: دارالکتاب.
- سندل، مایکل، ۱۳۹۷، *اخلاق در سیاست*، ترجمه افشین خاکباز، تهران: نشر نو.
- شهیدی، مهدی، ۱۳۷۷، *تشکیل قراردادها و تعهدات*، نشر حقوقدان، تهران.
- طباطبایی بروجردی، حسین، ۱۴۱۳ق، *تقریرات ثلاث*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۷ق، *المبسوط*، مکتبه المرتضویه، تهران.
- _____، ۱۳۷۷ق، *کتاب الخلاف*، چاپخانه رنگین، تهران.
- عنصری فرد، عباس، ۱۳۸۷، *جریحه دار کردن عفت عمومی*، تهران: آثار اندیشه.
- قاری سید فاطمی، محمد، ۱۳۹۵، *حقوق بشر در جهان معاصر*، دفتر اول، چاپ چهارم، تهران: نگاه معاصر.
- لاک، جان، *رساله دوم درباره دولت*، ۱۳۸۸، ترجمه شهرام ارشد نژاد، چاپ اول، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۷۹، *قواعد فقه بخش جزایی*، چاپ دهم، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران.
- _____، ۱۳۹۰، *جنایت بر اعضاء بدن از دیدگاه فقه و حقوق اسلامی*، فصلنامه فقه پزشکی، سال دوم و سوم، شماره ۵ و ۶.
- مصباح، محمد تقی، ۱۳۹۱، *نظریه حقوقی اسلام*، جلد اول، چاپ پنجم، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۲، *پرسش ها و پاسخ ها*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۱ق، *قواعد الفقهیه*، الطبعة الثالثة، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، قم.
- _____، ۱۴۲۲ق، *بحوث فقهیه هامه*، قم: مدرسه امام علی (ع).
- _____، ۱۴۲۵ق، *انوار الفقاهه: کتاب النکاح*، چاپ اول، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.

منتظری، حسینعلی، ۱۳۸۶، حکومت دینی و حقوق انسان، قم: دفتر آیت الله منتظری.
_____، ۱۳۸۷، مجازات های اسلامی و حقوق بشر، چاپ اول، قم: ارغوان دانش.

موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۶۳، البیع، الطبعة الثالثة، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.
موسوی صافی، سید حسین، ۱۴۲۹ق، تحديد و تنظيم النسل فی ضوء الشریعه و العلم الحدیث، قم، موسسه احیاء الکتب الاسلامیه، چاپ اول.

موسوی، سید علی و سید صادق حقیقت، ۱۳۸۹، مبانی حقوق بشر از دیدگاه اسلام و دیگر مکاتب، چاپ هفتم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

موسوی، سید محمد مهدی، ۱۴۲۲ق، حاکمیت در اسلام یا ولایت فقیه، ترجمه جعفر الهادی، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مومن قمی، محمد، ۱۴۱۵ق، کلمات سدیده فی مسایل الجدیده، موسسه النشر الاسلامی، قم.
نجفی حمد حسن، ۱۹۸۱، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار الحیاه التراث العربی، بیروت.

نوبهار، رحیم، ۱۳۹۴، «نگاهی نوگرایانه به فقه مقاصدی و چالش های پیش روی آن»، در ماهنامه سخن.

همپتن، جین، ۱۳۸۵، فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
هیوود، اندرو، ۱۳۸۳، مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمن عالم، چاپ اول، تهران، نشر قومس.

(ب) انگلیسی

Appendix C to Law Commission(Consultation Paper 139, Consent in Criminal Law, HMSO, 1996).

Archer, Alfred, 2016. Divine moral goodness, supererogation and The Euthyphro Dilemma, International Journal for Philosophy of Religion, / 4 Vol.

Atkinson, R. F.1969, An Introduction to Moral Philosophy, London: Macmillan.

- Baker. Dennis J, 2014, Should Unnecessary Harmful Nontherapeutic Cosmetic Surgery be Criminalized? *New Criminal Law Review: An International and Interdisciplinary Journal*, Vol. 17 No. 4, Fall.
- Benhabib, Seyla, 2004, *The Rights of Others*, Cambridge; Cambridge University Press.
- Cohen, Gerald Allan, 1995, *Self-Ownership, Freedom, and Equality*, Cambridge University Press.
- Davies, Tony , 2006. *Humanism*, Routledge, 2006 M10 19 - 160 pages.
- Dennis. J. Baker, Jeremy Horder, 2013, *The Sanctity of Life and the Criminal Law: The Legacy of Glanville Williams*, Cambridge University Pres.
- Devlin, Patrik, 1965, *The Enforcement of Morals*, Oxford: Oxford University Press.
- Dworkin, Gerald, 2010, *Paternalism*, *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, Available at; <https://plato.stanford.edu/entries/paternalism/>.
- Feinberg, J. 1988, *The Moral Limits of Criminal Law, Volume 4*, Oxford university Press.
- _____. 1984, *The Moral Limits of the Criminal Law, Volume One: Harm to Others*.
- Gorr, Michael, 1995, *Justice, Self-Ownership, and Natural Assets*, Published online by Cambridge University Press.
- Gupta, V., Winocour, J., Shi, H., Shack, R., Grotting, J., & Higdon, K, (Preoperative Risk Factors and Complication Rates in Facelift: Analysis of 11,300 Patients), *Aesthetic Surgery Journal*, 36(1), 2015, 1-13.
- Ingram, Attracta, 1994, *A Political Theory of Rights*, Clarendon Press; 1 edition.
- Jones, Peter, 1989, *The Ideal of the Neutral State in Robert Goodin and Andrew Rever*, *Liberal Neutrality*, London; Routledge.
- Kant, Immanuel, 1972. *Groundwork of Metaphysic of morals*, tr: Paton, H.J, PP, 55-123, in: *The moral law*, London, Hutchinson University Library.
- Keogh, 2013, *Review of the Regulation of Cosmetic Interventions: Final Report*, Available at: [www.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/192028/Review of the Regulation of Cosmetic Interventions.pdf](http://www.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/192028/Review_of_the_Regulation_of_Cosmetic_Interventions.pdf).
- Locke, John, 1960, *Two Treatises of Government*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Macpherson, Crawford Brough, Cunningham, Frank, 2011, *The Political Theory of Possessive Individualism: Hobbes to Locke*. Oxford University Press.
- Melanie Latham, 2014, 'IF IT AIN'T BROKE, DON'T FIX IT?': SCANDALS, 'RISK', AND COSMETIC SURGERY REGULATION IN THE UK AND FRANCE, *Medical Law Review*, Volume 22, Issue 3, Summer 2014, Pages 384–408.
- Mill, John Stuart, *On Liberty*, (Floating Press, 2009 From a 1909 Edition).
- Nozick, (1974), *Anarchy, State and Utopia*, Oxford, Basil Blackmail.
- Park, Bo Young, Min Ji Kim, So Ra Kang, Seung Eun Hong, 2016, A Legal Analysis of the Precedents of Medical Disputes in the Cosmetic Surgery Field, *Arch Plast Surg*. May; 43(3): 278–283
- Pateman, Carole, 2002, Self-Ownership and Property in the Person: Democratization and a Tale of Two Concepts, in *Journal of Political Philosophy* 10(1) March.
- Phillips, K.A. 2004, Psychosis in Body Dysmorphic Disorder, 38(1) *J. PSYCHIATRIC RES.*
- Schonsheck, Jonathan, 1994, *On Criminalization*, Kluwer Academic Publisher.
- Stanton, John (2006), *The Limits of Law*, in: *Stanford Encyclopedia of Philosophy*, Available at: <https://plato.stanford.edu/entries/law-limits/>.
- Warburton, Nigel, 2001, *Freedom; An Introduction with Readings*, Routledge.

استناد به این مقاله: جلیلیان, مهدی, حاحی ده آبادی, احمد, شمس ناتری, محمد ابراهیم & شیداییان, مهدی. (۱۴۰۱). مبانی فقهی و فلسفی گستره خویش مالکی در باب عملیات جراحی زیبایی؛ با نگاهی به حقوق کیفری ایران, فرانسه و انگلستان. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*: 10(38), 173-202. doi:

10.22054/jclr.2021.46197.1983



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.